

# جنبه‌های مختلف اقتصادی موقوفات و چگونگی ارتقای آن‌ها

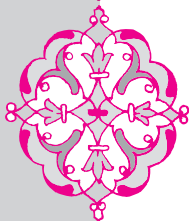
سید مجتبی سجادی جزی<sup>۱</sup>

## چکیده:

وقف به معنای حبس مال و استفاده از منفعت آن برای اهداف خاص، از رفتارهای بشری در اعصار مختلف بوده که با ظهور اسلام و تأکید دین مبین بر اهمیت آن، در ادوار متأخرتر و در جوامع اسلامی به خصوص ایران، جایگاهی رفیع یافته است. اولین و مهم‌ترین هدف وقف همواره جنبه‌های مختلف اقتصادی و کمک به اقشار ضعیف جامعه می‌باشد. از این رو است که شاهد حجم عظیمی از موقوفات در ادوار مختلف زمانی از جنبه اقتصادی هستیم. این موقوفات زمانی می‌توانند از کارآیی ویژه‌ای برخوردار شوند که یک نهاد متولی بتواند یک جهت یا مسیر خاص بدان‌ها دهد. در غیر این صورت احتمال می‌رود که کارآیی و بهره‌وری آن‌ها در جهت موضوعات مختلف اقتصادی کاسته شود. از این روی سازمان اوقاف که نهاد متولی این امر در کشور است همواره سعی می‌نماید که با استفاده از روش‌های مختلف در جهت ارتقای هر چه بیشتر اقتصادی این موقوفات گام بردارد. با توجه به این تفاسیر، در این پژوهش سعی شده تا ضمن معرفی جایگاه اقتصادی وقف، به بحث در ارتباط با چگونگی ارتقای اقتصادی موقوفات پرداخته شود.

## کلیدواژه‌ها:

وقف، سازمان اوقاف، اقتصاد، بهره‌وری موقوفات.



## مقدمه

وقف یک نهاد قدیمی و تاریخی است که بسیاری از ملت‌های قبل از اسلام با آن آشنا بودند. شکی نیست که اولین وقف دینی که در قرآن بدان اشاره شده، پایه‌گذاری بیت‌الله الحرام در مکه معظمه یا همان خانه کعبه است.<sup>۱</sup> با گذشت چند سده مسلمانان چنان تنوعی در اهداف وقف ایجاد کرده‌اند که مایه تعجب است و نشان دهنده گسترش اوقاف اسلامی و شمول آن به کارهای خیریه عمومی و گاهی کارهای بسیار دقیق و مشخص می‌باشد. این نهاد در طول ادوار مختلف اسلامی توانسته بیشتر نیازهای جوامع مختلف را برآورده کند. تأمین آب شرب یا کشاورزی، تعمیر و ساخت راه‌ها، پل‌ها، کاروان‌سراها، روشنایی مساجد و کوچه‌ها، رباط‌ها و اماکنی برای فقرا و مسافران، حمام، سرویس بهداشتی و هرگونه خدمات عمومی قابل تصور، تنها بخش کوچکی از کارکردهای وقف در جوامع اسلامی بوده است. در همین ارتباط لازم به ذکر است که اوقاف

عمدتاً برای خدمات‌رسانی به طبقات فقیر و نیازمند جامعه مثل خانواده‌های یتام، فقرا، بیماران، زندانیان و ... شکل گرفته است. در عین حال که اوقافی نیز به جهت ارتقای علمی جامعه ترتیب داده شده، مثل اوقافی برای مؤسسات آموزشی و علمی و کتابخانه‌ها که نمونه‌های آنها را می‌توان در بسیاری از شهرهای جهان اسلام ملاحظه کرد. اوقاف در طول قرون مختلف اسلامی و در مکان‌های مختلف جغرافیایی جهان اسلام از چنان حجم و وسعتی برخوردار بوده که همواره مؤسسات و نهادهایی عهده‌دار سامان بخشیدن و مراقبت از آنها تأسیس می‌شدند. این نهادها یا مؤسسات وقفی در طول قرون مختلف و مخصوصاً عصر حاضر بخش جدیدی غیر از بخش دولتی یا خصوصی را تشکیل می‌دهند؛ در عین حال که به دلیل برخورداری از منابع مالی گسترده موقوفات مسئولیت اقتصادی و اجتماعی مهمی را در کنار دولت به عهده دارند. از این روی همیشه اوقاف به‌عنوان بخش سوم

از پیش از بعد اقتصادی کارآمد کرده و گره‌های بیشتری را از مشکلات مردم رفع نماید. از این روی در این پژوهش سعی شده تا با استفاده از اسناد و شواهد منتشر شده موجود تا حدودی به این جنبه مهم موقوفات بپردازد.

### تحلیل اقتصادی عناصر تشکیل‌دهنده تعریف وقف

تعریف وقف (تحبیس اصل و تسبیل ثمره): از دیدگاه اقتصادی، جمع اعداد را متبادر به ذهن می‌نماید. نکته شایان توجه در این تعریف، بخش دوم آن (تسبیل ثمره) است. اگر تعریف وقف صرفاً ناظر بر «تحبیس اصل» می‌بود، از منظر اقتصادی تنها مفید معنای TREASURIZE (دفینه نمودن) یا ACCUMULATION OF WEALTH (انباشت سرمایه) می‌توانست باشد. در این صورت «تحبیس اصل» دقیقاً بیانگر مفهومی بود که در اقتصاد اسلامی به نام «کنز» مصطلح شده است.<sup>۵</sup>

در انتهای آیه ۳۴ از سوره مبارکه توبه می‌خوانیم: «... وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ

حکومت‌ها (غیر از بخش خصوصی و دولتی) نقش عمده‌ای در توسعه شهری از صدر اسلام تا به حال داشته است. احکام و قوانین وقف در جهان اسلام چنان چتر حمایتی برای اموال وقفی داشته که حتی حاکمان و سرمایه‌داران اموال خود را برای مصونیت از مصادره به اوقاف درمی‌آوردند.<sup>۳</sup> در واقع نظام اقتصاد اسلامی با ابتکار نهاد وقف، بخشی از سرمایه مولد شخصی را از حوزه منافع شخصی به حوزه خدمات اجتماعی و عام و به دور از سلطه حکومت قرار داده است.<sup>۴</sup>

با توجه به این تفاسیر باید بیان گردد که یکی از جنبه‌های مهم اوقاف در جوامع اسلامی، رویکرد اقتصادی آن در جهت بهبود وضعیت معیشتی انسان‌ها است. این جنبه یا هدف متعالی در طول قرون مختلف و با توجه به نیازها و شرایط وقف در جامعه تغییر و تحولات گسترده‌ای می‌یابد. از این روی لازم است که نهاد متولی این کار، پیوسته با رویکردهای جدیدی به این امر نگاه کند تا بتواند موقوفات را بیش

وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ... و کسانی که طلا و نقره را ذخیره و پنهان می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!»

سؤالی که در این زمینه بلافاصله مطرح می‌شود این است که آیا نفس گردآوری و یا کنز مال مشمول حکم این آیه شریفه است؟

برخی از صاحب‌نظران نفس گردآوری و یا کنز مال را مستوجب عقاب نمی‌دانند علامه طباطبایی در تفسیر المیزان اشارتی بدین معنی دارند. اگر جمله «لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» را نداشتیم، از قسمت اخیر آیه چنین برداشت می‌کردیم که انباشت یا کنز مال، فی نفسه، حرام است؛ ولی با وجود «لَا يُنْفِقُونَهَا» بدین نتیجه می‌رسیم که مسأله «کنز» مستوجب عقاب نیست و در واقع به کنزی که در راه خدا انفاق نشود، عذاب مترتب می‌گردد. پس نهی آیه از داشتن مال نیست بلکه نهی از حبس آن است و این واقعیتی است که از دیدگاه اقتصادی، در مفهوم وقف

لحاظ شده است.

مقصود استفاده و برخورداری جامعه از حاصل کار و ثروت‌های مکتسبه مشروع به قدر حاجت و مهم‌تر از آن انفاق و بذل مال براساس ضوابط معین و به قدر توانایی افراد است و نه تجمع، تراکم و به اصطلاح انباشت سرمایه<sup>۶</sup>.

این طرز تفکر اساساً از تعالیم قرآنی که گردآوری مال را به قصد انباشت مردود می‌شناسد، نشأت می‌گیرد. لحن کلام الله مجید در این مورد بسیار قاطع و شدید است. در آیات ۱ و ۲ سوره التکاثر می‌خوانیم: «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ \* حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ؛ افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است» \* تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید!)»

در تفسیر این بخش از سوره آمده است: «بعضی از قبایل عرب به کثرت افراد افتخار می‌نمودند تا رسید به جایی که می‌رفتند به قبرستان و اموات را هم شماره می‌نمودند و خداوند در این سوره

تعبیر می‌تواند مترادف با مفهوم کنز در اقتصاد اسلامی و انباره STOCK در اقتصاد کلاسیک باشد، زمانی واجد این خصوصیت می‌تواند قرار گیرد که اموال موقوفه جریان نداشته باشد و به دیگر سخن در چرخه فعالیت اقتصادی قرار نگیرد. حال این که، یکی از ویژگی‌ها و ممیزات تأسیس وقف، جریان ثمرات و برکات حاصل از اموال موقوفه در جوامع مختلف و بالاخص در جوامع و اقتصاد کشورهای اسلامی است.<sup>۷</sup>

### مشروعیت اقتصادی وقف

ابتدا و بیش از هر چیز بایستی مباحث چندی در مورد مشروعیت وقف بیان شود. فقیهان و دانشمندان اسلامی برای مشروعیت وقف به آیاتی از قرآن کریم استناد کرده‌اند؛ از جمله آیه: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر این که از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید.» بنابراین وقف بر اساس مفاد این آیه، تنها یک اعطا یا بخشش معمولی نیست، چرا که چشم

آن‌ها را به این عمل ملامت فرمود»<sup>۷</sup>. به هر روی، منظور، مذمت شدید مال‌اندوزی و به تعبیر دیگر انباشت مال است که در ادبیات وقف، تحبیس مال، گویاترین و رساترین تعبیر آن است. نکته شایان توجه دیگر در تعریف تسبیل ثمره است. در اقتصاد امروز Flow یا جریان تعبیر گویایی از آن است؛ اصطلاحی در تقابل با مفهوم «نگه داشت»، «انباشت» و به‌طور خلاصه خارج کردن و یا خارج نگه داشتن از جریان تولید و فعالیت اقتصادی.

بدون تردید، اگر مفهوم وقف تنها در محدوده تحبیس اصل قرار می‌گرفت، اهمیت امروزی خود را از لحاظ نقش مؤثر آن در جریان و چرخه فعالیت‌های اقتصادی نمی‌توانست حائز شود.

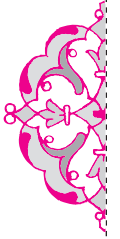
همان‌گونه که اشاره شد، مفهوم تسبیل ثمره که در تحلیل نهایی، مقصود از آن جریان سیال و روان اقتصاد در متن جامعه است، علی‌الظاهر با مفهوم تحبیس اصل متناقض می‌نماید لکن، چنین نیست. زیرا این مفهوم که به یک

پوشیدن و دست کشیدن از آنچه آدمی بدان علاقه و وابستگی دارد، درون خود نوعی سخت‌گیری بر نفس نیز دارد. هم‌چنین خداوند در آیه دیگری چنین بیان می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ<sup>۱۰</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید.» بنابراین از یک سو انفاق مورد نظر شرع که بایستی از اموال حلال و پاکیزه باشد، بر آدمی سخت و گران می‌آید، چون در راه به‌دست آوردن آن، سختی و مشقت بسیاری را متحمل شده است. این مطلب می‌رساند که دو مسأله اساسی به حرمت و عدم صحت وقف می‌انجامد: یکی این که مورد وقف یا موقوفه از اموال حرام و غیر مشروع باشد و دیگر این که برای معصیت و مقاصد غیر مشروع منعقد گردد<sup>۱۱</sup>.

در همین ارتباط نقل شده است

چون مسلمانان، سواد عراق را به تصرف درآوردند، به خلیفه دوم گفتند «این سرزمین را میان ما قسمت کن، چراکه ما خود آن را در جنگ تصرف کردیم». خلیفه دوم از این کار امتناع ورزید و گفت «پس سهم مسلمانان نسل‌های بعد چه می‌شود؟ بیم دارم اگر آن را قسمت کنم، بر سر آب‌های آن با یکدیگر به ستیزه برخیزید. ولی من آن را برای خدا و مسلمانان حبس (وقف) می‌کنم». از این روی خلیفه دوم قصد داشت با این کار تشکیلات یک درآمد عمومی وقف شده را برای جملگی مسلمانان، نسل اندر نسل و در قرون متمادی سازماندهی کند تا مایه تقویت آنان در برابر دشمنان باشد<sup>۱۲</sup>.

اقدام خلیفه دوم در وقف اراضی کشاورزی برای بهره‌برداری نسل‌های آینده از آن، به جای این که به تملک انحصاری خاندان فاتحان آن اراضی شود، نمونه‌ای از تجلی‌گراییش توسعه‌ای به وقف و ارتباط آن با آینده جامعه بشری است. هم‌چنان که این معنا در بسط و توسعه قلمروهای وقف



که با نیت تقرّب الهی انجام می‌گیرد و به اراده شخص وابسته است و او با هوای نفس خود به سبب این کار نیک، مدام درگیری دارد. مشخصه حوزه‌هایی که وقف در آنها کارکرد دارد، توسعه پیشرفت و فزونی یافتن است؛ بنابراین تشکیلات اوقاف مشتق برآورده ساختن احتیاجاتی است که اجابت آنها تنها با رشد و توسعه وقف صورت می‌پذیرد.<sup>۱۶</sup>

از جمله ویژگی‌های ساختار اقتصادی وقف می‌توان به این موارد اشاره کرد: الف- افزایش حجم اعیان موقوفه؛ ب- تنوع روش‌های بهره‌وری اقتصادی مثل اجاره و مزارعه، از اعیان موقوفه و ج- رشد بخش اقتصاد اجتماعی که به نوبه خود بهبود وضع اقتصادی طبقات ضعیف جامعه را فراهم می‌کرد.<sup>۱۷</sup>

### نقش وقف در تحقق اهداف اقتصاد اسلامی

هدف اساسی و اصلی همه نظام‌های اسلام، از جمله نظام اقتصادی اسلام،

و پیوند آن با مصالح استراتژیک جامعه جلوه‌گر شده است.<sup>۱۳</sup>

اوقاف عام برای امور خیریه عموماً به دو دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شود: الف- وقف تعبدی مثل وقف مسجد، تکیه و...؛ ب- وقف اجتماعی و فرهنگی مثل ساخت و تجهیز مدارس، بیمارستان، راه‌ها و... در این میان وقف نوع دوم کارکردی توسعه‌ای و اقتصادی برای جامعه دارد.<sup>۱۴</sup> شما در هر کدام از این گروه وقف‌ها می‌توانید دو گروه از اموال وقفی را پیدا کنید: اول اموال وقفی که خود برای اهداف وقف به کار گرفته می‌شود مانند مسجد یا مدرسه با تمامی تجهیزات آن؛ دوم اموالی که به نوعی سرمایه‌گذاری شده که عواید و منافع مالی آنها برای اهداف موقوفات هزینه می‌شوند مانند رقبات وقفی قنات‌ها و باغات.<sup>۱۵</sup>

اندیشه وقف در اصل، اندیشه‌ای است در جریان توسعه و پیشرفت، مانند دیگر واجبات و مستحباتی که با هدف و منظور حسبه انجام می‌شود. این امر، به اساس آن باز می‌گردد



کمال ابدی یعنی تقرب الی الله است. از دیدگاه قرآن کریم روایت‌های معصومین علیهم‌السلام، انفاق‌های مالی چه واجب و چه مستحب، برای نیل به این هدف نهایی نقشی بس عظیم و اساسی دارند که به عنوان نمونه، در این جا مواردی یادآوری می‌گردند:

الف) قرآن کریم در موارد متعددی از انفاق به عنوان جهاد مالی در کنار جهاد جسمی، یاد کرده است مانند: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً...»<sup>۱۸</sup>؛ (هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [ترک‌کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده است...»

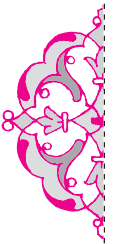
ب) در موارد متعدد هدف از مالیات‌ها و انفاق‌های مالی در اسلام، از

جمله زکات و وقف در نزد بسیاری از فقیهان قصد قربت است. این انفاق‌ها، گذشته از جنبه اقتصادی، همانند نماز و روزه عبادت هستند و غرض اصلی از عبادات قرب الهی است. «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»<sup>۱۹</sup>؛ و پروردگارت را عبادت کن تا یقین [مرگ] تو فرا رسد. (ج) در بسیاری از آیات قرآن کریم، به دنبال واژه «انفاق»، واژه «فی سبیل الله» و مانند آن ذکر گردیده است. به عنوان نمونه: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...»<sup>۲۰</sup>؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان (محفوظ) است. خداوند در جای دیگر به صراحت هدف از انفاق را لقاءالله دانسته است: «... وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ...»<sup>۲۱</sup>؛ جز برای رضای خدا، انفاق نکنید. و آنچه از خوبی‌ها انفاق می‌کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده می‌شود...»

د) در آیاتی از قرآن کریم، هدف روشن انفاق و گرفتن صدقه، تزکیه نفس و رسیدن به «برّ» و نیکی ذکر شده است. در سوره آل عمران می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»<sup>۲۲</sup>؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر این‌که از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید.»

شأن نزول این آیه وقف و صدقه است که گذشت. با نزول این آیه کسانی چون ابوطلحه انصاری به فکر صدقه دادن و وقف کردن بهترین اموال خود افتادند. این آیه، راه رسیدن به «برّ» را انفاق چیزهایی دانسته که مورد علاقه و محبت انسان است و روشن است که «برّ» چه به معنای ثواب از جانب خدا و یا انجام فعل خیری که پاداش الهی را به دنبال دارد<sup>۲۳</sup>. مصداق اصلی و حقیقی آن، قرب الهی و سعادت و کمال ابدی انسان خواهد بود. در آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»<sup>۲۴</sup>؛ (ای رسول) از اموال آن‌ها صدقه‌ای (به‌عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آن‌ها را پاک سازی و

پرورش دهی و...». هدف از دریافت صدقه از مؤمنان را تطهیر و تزکیه نفوس آن‌ها به وسیله صدقه (و انفاق مالی) دانسته است. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: تطهیر یعنی ازاله اوساخ از یک چیز تا وجود آن صاف گردد و برای نشو و نما و ظهور آثار و برکات، مستعد و مهیا گردد و تزکیه عبارت است از رشد دادن و اعطای رشد به آن به وسیله لحوق خیرات و ظهور برکات، همانند درختی که قطع زواید از فروع و شاخه‌های آن، باعث زیادی در حسن و نمو آن و نیکویی میوه‌هایش می‌شود. از این‌رو، جمع بین تطهیر و تزکیه در آیه از تعبیر لطیف است<sup>۲۵</sup>. بنابراین همه انفاق‌های مالی، از جمله وقف، برای انسان به منزله هرس کردن درخت از اضافات است که او را در مسیر نیل به هدف اصلی و نهایی‌اش یاری می‌دهد و در این جهت به او سرعت می‌بخشد. علاوه بر موارد بیان شده، وقتی سخن از تأثیر وقف بر استقلال اقتصادی و رشد و توسعه مطرح می‌شود هرگز به این معنا نیست که وقف به تنهایی



می‌تواند همه ابعاد و زوایای گوناگون اقتصاد یک ملت را در برگیرد، به طوری که برای اقتصاد کشور به منابع مالی دیگر نیازی نباشد، بلکه منظور این است که وقف به عنوان یک سرمایه عظیم مالی می‌تواند در این سمت و سو دارای نقشی سازنده و قابل توجه باشد. هم‌چنین به این معنا نیست که برخلاف اهداف واقفان، درآمد وقف را از موارد اصلی مصارف آن که در وقفنامه‌ها آمده است، منحرف کنیم و آن‌ها را در راه تحقق استقلال اقتصادی و رشد و توسعه به کار گیریم و به مصرف برسانیم. حقیقت این است که می‌توان سرمایه‌های عظیم وقف را نیز همانند دیگر سرمایه‌ها با رعایت همه جوانب وقف، موازین شرع و اهداف واقفان در جریان فعالیت‌های تولیدی و خدماتی قرار داد و آن‌ها را از حالت رکود به حالت تحرک و پویایی هدایت که تا به این وسیله به رشد و توسعه و استقلال اقتصادی (و سیاسی) کشور کمک شایان و قابل توجه باشد و هم‌چنین بر سرمایه‌های اوقاف افزوده

شود که این امر یقیناً در راستای اهداف واقفان می‌باشد.<sup>۲۶</sup>

از متون اسلامی به خوبی روشن است که اسلام خواهان زدودن همه جوانب و زوایای فقر در جامعه است و نیز به دنبال رفاه عمومی در حدّ معقول و مشروع. شهید صدر در این باره می‌نویسد: مسئولیت دولت و نظام اسلامی، به جز تأمین نیازهای حیاتی و ضروری افراد، این است که یک سطح زندگی متناسب با شرایط و مقتضیات روز را برای افراد تضمین نماید و آن‌ها را به یک حد از رفاه (عمومی) برساند. وی یکی از ابزارهای مهم دولت اسلامی برای تحقق این هدف را کفالت همگانی مسلمانان در برابر یکدیگر ذکر می‌کند، یعنی احساس مسئولیت متقابل و عمومی<sup>۲۷</sup>. از این‌رو، اولاً فقرزدایی تنها در حدّ قوت لایموت به نیازمندان کفایت نمی‌کند. ثانیاً مسلمانان در برابر یکدیگر مسئولند و کفالت همگانی دارند. کلینی در اصول کافی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که: «خداوند برای فقرا در اموال ثروتمندان به قدر

عمومی و زدودن و دست کم کاهش چشمگیر فقر و محرومیت و آثار شوم آن در جامعه خواهد شد. ب- بخش عمده موارد مصرفی که واقفان دورنگر و نیکوکار در طول تاریخ وقف در نظر گرفته‌اند به رفاه عمومی، فقرزدایی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شود. اگر ما نگاهی هر چند گذرا، به تاریخ وقف و مضمون وقفنامه‌ها بیندازیم به خوبی درمی‌یابیم که واقفان خیر و دوراندیش تمام زوایا و جوانب نیازها را در نظر گرفته‌اند. به رغم این که بسیاری از رقبات موقوفات و مدارک آن‌ها در طول زمان به دلایل و عوامل گوناگونی از بین رفته‌اند و از بسیاری از آن‌ها نامی هم باقی نمانده است، مشاهده می‌کنیم که جهت و سمت و سوی اصلی مورد نظر واقفان در طول تاریخ فقرزدایی و در مرحله بعدی، تحقق رفاه عمومی در سطح معقول بوده است. علاوه بر این باید بیان گردد که نیازهای عمومی و خصوصی مردم نسبت به زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است، مثلاً در یک زمان، مردم به کاروانسرا، آب

کفایت (و اداره زندگی آنان به خوبی) قرار داده است و اگر این مقدار آن‌ها را کفایت نمی‌کرد، بیشتر قرار می‌داد و این مشکلات فقرا از ناحیه کسانی است که آن‌ها را از حق‌شان باز می‌دارند». در باب زکات، امام موسی کاظم علیه السلام نیز در پاسخ کسی که پرسید «آیا می‌توانم هشتاد درهم به فقیر بدهم؟» فرمودند: «آری و بیشتر» پرسید، «صد درهم چطور؟» حضرت فرمودند: «آری: اگر می‌توانی او را بی‌نیاز کن (وَاعْنِهِ اِنْ قَدَرْتَ اَنْ تُغْنِيَهُ)»<sup>۲۸</sup>. امام باقر علیه السلام نیز می‌فرمایند: «اِذَا اَعْطِيتَ فَاَعْغِهْ: هرگاه انفاق می‌کنی طرف را بی‌نیاز نما». در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند همه نیازهای فقرا را در نظر گرفته است، از هزینه‌های غذا و پوشاک و ازدواج گرفته تا هزینه صدقات مستحبی و حتی هزینه انجام حج آنان»<sup>۲۹</sup>.

وقف از دو راه می‌تواند در این مورد مؤثر باشد: الف- نفس استقلال و رشد و توسعه اقتصادی (مبتنی بر موازین اسلامی) که به‌طور طبیعی موجب رفاه



انبار و... نیاز مبرم داشتند، اما در روزگار ما تأسیس فضاهای آموزشی، درمانی، مسکن، جاده‌ها و... از اولویت بیشتری برخوردارند. از این‌رو، از راه‌های گوناگون از جمله آگاهی دادن به مردم و کسانی که درصدد وقف اموال خود هستند، می‌توان به سمت و سو دادن وقف‌های جدید در جهت اولویت‌های جامعه کمک شایان و درخور توجهی نمود.<sup>۳۰</sup>

### توسعه یا ارتقای اقتصادی و اجزای آن

دو نوع توسعه امروزه در جهان پدید آمده است: غیر عمدی یا برنامه‌ریزی نشده و عمدی یا برنامه‌ریزی شده. نوع اول در برخی از کشورهای غربی تا پایان قرن نوزدهم میلادی اتفاق افتاد و این کشورها توسعه‌یافته شدند. در جریان فرایند توسعه در این کشورها ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متحول شدند، بدون این‌که کوشش‌های سنجیده، عام و فراگیر برنامه‌ریزی شده ناظر به کل

جامعه صورت گرفته باشد. نوع دوم در جهان سوم رخ داده یا در حال وقوع است. در این نوع از توسعه فرایند تغییر کوتاه‌مدت توسعه‌ای توسط عواملان فعال اعم از دولت و مردم، نخبگان و حرکت‌های اجتماعی و سازمان‌ها انجام می‌شود.<sup>۳۱</sup>

توسعه خواه ناخواه به پیشرفت جامعه‌های اروپایی بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی باشد و خواه ناخواه به مرحله‌گذار کشورهای جهان سوم از مرحله جامعه‌های سنتی به جامعه‌های صنعتی، اصطلاحی است که برای یک تحول جدید و بی‌سابقه وضع شده است؛ تحولی که زندگی مرفه‌تری را از نظر مادی فراهم می‌کند و به لحاظ نهادینه بودن جدیدتر است و از نظر فناوری کارا تر است. برای نوع اول توسعه بهترین تعریف را کوزنتس انجام داده که بدین شرح است: افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل تا بتوان نیازهای جمعیت را تأمین کرد. افزایش ظرفیت بلندمدت تولید

بستگی به ترقیات نوین فنی و تطبیق آن با شرایط نهادی و ایدئولوژیک مورد تقاضای آن دارد<sup>۲۳</sup>.

این درحالی است که در کشورهای نوع دوم و به ویژه جمهوری اسلامی ایران تعریف توسعه و ارتقای اقتصادی از منظر اسلام سنجیده شده که بدین شرح است: توسعه اقتصادی اسلامی فرایند هدایت شده تغییرات ساختاری اقتصادی و افزایش مداوم نظام تولیدی درون نظام اقتصادی یک کشور اسلامی است که رشد اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری و حذف فقر مطلق را به دنبال خواهد داشت. در این فرایند علت مستقیم توسعه انباشت سرمایه فیزیکی، انباشت سرمایه انسانی و بهره‌وری می‌باشد. در این مسأله تفاوت چندانی با غرب وجود ندارد. اما زیربنای اجتماعی و علت غیر مستقیم توسعه اقتصادی اسلامی دو چیز است:

۱- جهان‌بینی، اخلاق و فقه اسلامی، رفتار رهبران نظام و رفتار نخبگان مؤمن و متقی که نظام شخصیت ایمانی را مجسم می‌کنند.

۲- دولت متعهد به اسلام و مردم، سالم و دور از فساد، عاقل، معنوی، توسعه‌خواه و عدالت‌طلب؛ برای بسط ارزش‌های توسعه‌ای دینی و ماندگاری آن در میان جامعه به چنین دولتی نیاز است تا با تأسیس نهادهای مناسب و انجام سیاست‌های عادلانه رشد اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری و حذف فقر مطلق را به ارمغان آورد<sup>۳۳</sup>.

در این میان یکی از نهادهای مناسب برای رشد و ارتقای اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری و حذف فقر مطلق نهاد وقف است. البته به شرطی که نهاد وقف از طرق مختلف شرعی، قانونی و مدیریتی اصلاح شده و بتواند رویکردهای جدیدی را برای ارتقا و بهره‌وری بیشتر موقوفات فراهم آورد.

### نهاد متولی وقف و ارتقای اقتصادی موقوفات

برای تأمین نقدینگی و ارتقای اقتصادی برای نهادهای وقفی و رساندن این نهاد به جایگاه اصلی خود

به‌عنوان یک نهاد مردمی مهم در توسعه جامعه می‌بایست ظرفیت‌های وقف را با ابزارهای نوین مالی و در چهارچوب اصول شرعی گسترش نمود. آنچه باعث شده قالب‌های جدیدی را برای بهره‌وری وقف معرفی نمود، تغییراتی است که در این حوزه‌ها به عمل آمده:

۱. پیدایش مفهوم مؤسسه و نهاد و تفکیک میان مدیریت و مالکیت سرمایه در مؤسسه؛
۲. پیدایش انواع جدیدی از مالیات‌ها و معافیت‌هایی که برای نهادهای وقفی به‌وجود آمده است؛
۳. تغییر ماهیت پول نقد و ظهور قالب‌های جدید برای آن؛
۴. ظهور روش‌های جدید سرمایه‌گذاری مالی و ظهور بازارهای سرمایه و سهام و اوراق بهادار؛
۵. ظهور اهداف و نیازهای جدید وقفی بر اساس ساختارهای توسعه نوین.

تمامی این عوامل باعث می‌شود که ساختارهای سرمایه‌گذاری در وقف مورد تجدید نظر قرار گیرند. از جمله

ظرفیت‌های جدید برای بهره‌وری از موقوفات می‌توان به وقف پول اشاره کرد<sup>۳۴</sup>.

با توجه به مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته، مشخص گردیده است که تاریخچه وقف پول در جهان اسلام به قرن هشتم میلادی بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی که برای نخستین بار امام زفر (از فقهای اهل سنت) در پاسخ به پرسشی در همین ارتباط بیان می‌دارد که مجموعه اوقاف باید به‌صورت مضاربه به پیمانکاران واگذار شود. طرح چنین پرسشی نشان می‌دهد که در آن زمان چنین اوقافی وجود داشته است<sup>۳۵</sup>. وقف پول در فقه اسلامی شیعه همواره با عنوان «وقف الدارهم و الدنانیر» مورد بحث قرار گرفته است. درباره وقف درهم و دینار، عبارات فقها را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم نمود: گروهی از فقها، وقف درهم و دینار را به‌طور مطلق جایز ندانسته‌اند. از جمله شیخ طوسی در مبسوط می‌فرماید: وقف درهم و دینار صحیح نیست و در این مسأله بین علمای شیعه و سنی خلافتی

صحت عاریه درهم و دینار؛ ۲. تمسک به عمومات وارد بر وقف مثل اطلاق برخی آیات ۴۰ و روایات است؛ ۳. عرف ۴۱؛ ۴. تفاوت بین وقف نقود و وقف سایر اعیان و ... .

با توجه به این تفاسیر می‌توان بیان کرد که وقف پول حدّ اقل به دو شکل بانک و صندوق قابل تصوّر است. بانک وقف پول نوعی از بانک است که پول‌های وقف شده را جمع‌آوری می‌کند و منافع آن را در راهی که واقفان اعلام داشته‌اند به مصرف می‌رساند.<sup>۴۲</sup> نیز در صندوق وقف قرض الحسنه، واقفان پول می‌توانند مبالغی را برای قرض دادن به نیازمندان وقف کنند. از منافع پول موقوفه این است که می‌توان به بیماران، جوانان در حال ازدواج و کسانی که در شرایط نامناسب مالی هستند، با قرض دادن یاری رساند.<sup>۴۳</sup>

یکی دیگر از روش‌های جدید وقف و بهره‌وری از آن‌ها، وقف سهام می‌باشد. بحث در این زمینه را با یک استفتاء درباره وقف سهام شرکت‌ها و پاسخ آن آغاز می‌کنیم:

نیست. البته قول به صحت وقف آن دو، در میان اهل سنّت وجود دارد ولی نادر است. دلیل بر بطلان وقف آن دو این است که منفعت مقصود از آن دو جز با تصرّف در آن‌ها حاصل نمی‌شود و این تصرّف موجب اتلاف آن‌ها می‌گردد.<sup>۳۶</sup> گروه دیگری از فقها نیز، گفته‌هایشان پیرامون وقف درهم و دینار حاکی از تردید و یا اشکال در آن است. از جمله علامه حلی در قواعد با عبارت «فی الدرهم و الدنانیر اشکال»، در وقف درهم و دینار با دیده تردید نگریسته است.<sup>۳۷</sup> گروه سوم با فرض وجود منفعت صحیح عرفی قائل به جواز وقف درهم و دینار شده‌اند که در پاره‌ای از عبارات ممکن است مشعر به تردید باشد.<sup>۳۸</sup> دسته چهارم از فقها نیز با پذیرش وجود منفعت صحیح عرفی، وقف درهم و دینار را جایز دانسته‌اند.<sup>۳۹</sup>

در ارتباط با صحت و درستی وقف پول دلایل متعددی را می‌توان بیان کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. اجماعی بودن

سؤال: آیا سهام شرکت‌های تجاری را می‌توان وقف کرد؟ و در صورت صحیح بودن وقف، آیا تغییر ارزش سهام و یا ورشکستگی شرکت تأثیری در وقف دارد؟

پاسخ: بلی می‌توان سهام شرکت را وقف کرد، چون سهام به معنای مالیت مقداری از تأسیسات آن شرکت است که منفعت هم دارد و وقف مشاع صحیح است و اشکالی ندارد، و تغییر ارزش سهام تأثیری در وقف ندارد؛ چون هر چیزی که وقف شود ممکن است قیمت آن تغییر کند. و در مورد ورشکستگی شرکت، چنانچه سهم مربوطه به‌طور کلی بی‌ارزش شود موضوع وقف از بین می‌رود مثل این که موقوفه از بین رفته باشد<sup>۴۴</sup>.

در همین ارتباط باید بیان شود که به‌دلیل این که در وضعیت کنونی جامعه، جریان سرمایه و تکاثر ثروت از زمین و متعلقات آن به سمت شرکت‌ها و بازار سرمایه هدایت شده، بایسته است که وقفیاتی مانند اوراق سهام جایگزین موقوفات سنتی گردد و تعلق

در این زمینه چه بسا باعث گسیختگی در جریان ایجاد و توسعه وقفیات از یک طرف و عدم جذب بعضی از سرمایه‌ها به بازار متمرکز مالی از دیگر سو گردد که ضربه‌ای دو طرفه است. در نتیجه باید تسهیلاتی برای وقف سهام شرکت‌های بورسی تدارک دید و امکاناتی ایجاد کرد که مشتریان در صورت تمایل بتوانند اوراق سهام خود را وقف امور عام‌المنفعه بنمایند<sup>۴۵</sup>. بدین طریق می‌توان باعث شکوفایی بیش از پیش موقوفات و در نتیجه آن ارتقای اقتصادی آن‌ها را فراهم آورد.

از دیگر ظرفیت‌های جدید برای بهره‌وری از موقوفات، اسناد قرضه است که یکی از ابزارهای اوراق بهادار بوده و سهام شرکت‌ها می‌باشد. روش استفاده از اوراق قرضه بر اساس مسائل قرضی در فقه اسلامی استنباط شده است. یکی از کشورهایی که این نوع سرمایه‌گذاری را به‌طور قانونی درآورده و اجرا نموده است، کشور اردن می‌باشد. قانون اسناد قرضه به شماره ۱۰ مصوب سال ۱۹۸۲م

یک سال و در املاک و زمین سه سال در نظر گرفته می‌شود، به شرط آن که قاضی در راستای مصلحت وقف، رأی و نظر دیگری نداشته باشد<sup>۴۷</sup>.

### نتیجه‌گیری

نظام وقف در جوامع اسلامی را می‌توان سومین منبع اصلی مالی به حساب آورد که بعد از منابع دولتی و بخش خصوصی جایگاه ویژه‌ای را در مباحث اجتماعی و اقتصادی به خود اختصاص داده است. لیکن یک تفاوت مهم و کلیدی با دو منبع دیگر داشته و آن محل درآمد و چگونگی خرج کرد این درآمدهاست. منابع سرمایه‌ای اوقاف تماماً حاصل از وقف توسط مردم بوده و منابع هزینه‌ای آن نیز تماماً برای مردم است. وقف سنتی بسیار حسنه است که گذشته آن به چندین سده پیش بازمی‌گردد. لیکن در هر دوره و مکان تغییر و تحولات گسترده پیدا کرده و بعضاً با ورود حکومت‌های جدید مورد تعرض قرار گرفته است. با وجود تمامی این تفاسیر، از همان

تصریح می‌کند که علاوه بر نهادهای مالی مستقل و شهرداری‌ها، وزارت اوقاف و امور خیریه نیز می‌تواند این نوع اسناد را منتشر نماید. در این طرح دولت ضامن این نهادها می‌باشد به شرط این که کلیه مواد قانونی را رعایت کند. با این روش می‌تواند روی یک زمین وقفی مناسب و با نقدینگی تهیه شده از اسناد قرضه، ساختمانی با درآمد کافی ساخت. پس از پنج الی ده سال اصل پول قرضه و سود آن از درآمد ساختمان پرداخت می‌شود و کلیه اعیان به نهاد وقف بازمی‌گردد<sup>۴۶</sup>.

علاوه بر موارد بیان شده، اجاره نیز یکی دیگر از رایج‌ترین روش‌های سرمایه‌گذاری و بهره‌وری بیشتر اوقاف از گذشته تا به امروز است که در آن واقف حتی می‌تواند مدت اجاره را تمدید کند یا به هزینه آن بیفزاید؛ کما این که متولّی وقف در صورت اجازه و شرط واقف، صلاحیت تمدید قرارداد اجاره را دارد. در صورت عدم تعیین مدت اجاره، مدت متعارف در خصوص ساختمان‌ها و اماکن تجاری

روزگار تاکنون یکی از منابع مهم اجتماعی، خدماتی و توسعه‌ای مراکز استقرار منابع حاصل از اوقاف بوده است. مثل ساخت ابنیه عمومی و عام‌المنفعه و وقف آن، ساخت مدرسه، کتابخانه، بیمارستان و وقف آن و.... . از این روی همواره بخشی از نیازهای جوامع با همین اوقاف تأمین می‌شد.

در این میان یکی از مسائل مهم در امر اوقاف که از گذشته تا کنون مورد توجه متولیان و مسئولان این امر بوده، چگونگی بهره‌وری و ارتقای اقتصادی بیشتر آثار موقوفه است. زیرا انبوهی از موقوفات در گذشته و حال وجود داشته که با عدم توجه به آن‌ها احتمال از بین رفتن یا هزینه متفرقه آن‌ها همواره وجود دارد. در عین حال که وقفیاتی به صورت نقدی نیز در حال حاضر رواج پیدا کرده که باید آن‌ها را هدف‌مند نمود.

از جمله روش‌های پیشنهادی که در زمینه بهره‌وری و ارتقای اقتصادی بیشتر موقوفات می‌توان پیشنهاد کرد، تأسیس بانک یا مؤسسات در ارتباط

با امور وقف است تا از این طریق هم بتوان به مسائلی چون وقف پول سامان بخشید و هم این‌که با هدف دقیق و آشنایی بیشتر، این منابع را در جهت‌های خاص و مورد نظر هزینه کرد. علاوه بر این اسناد قرضه نیز از روش‌های جدید و مهمی است که امروزه دولت‌ها می‌توانند با استفاده از آن‌ها به بهره‌وری بیشتر اقتصادی اوقاف کمک نمایند. روشی که هم‌اکنون توسط سازمان اوقاف در حال پی‌گیری و انجام شدن است. در عین حال که روش‌هایی نیز از گذشته تا کنون وجود داشته که در جهت بهره‌وری بیشتر اقتصادی وقفیات کمک می‌نماید و آن اجاره دادن املاک و آثار وقفی است.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. معاون مالی و اداری پژوهشگاه استاندارد کشور
۲. سوره آل‌عمران، آیه ۹۲
۳. ساختار اقتصادی وقف در کشورهای هلال حاصل‌خیز (عراق، سوریه، فلسطین، اردن)، از مجموعه مقالات ساختار وقف در جهان اسلام، ص ۵۰۹
۴. همان، ص ۵۱۰
۵. فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۶۷، ص ۷۶
۶. همان
۷. روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، ج ۵، ص ۵۵۹
۸. فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۶۷، ص ۷۷
۹. سوره آل‌عمران، آیه ۹۲
۱۰. سوره بقره، آیه ۲۶۷
۱۱. وقف و فلسفه تشریح آن در اسلام، از مجموعه ساختار وقف در جهان اسلام، ص ۵۴
۱۲. همان، ص ۶۳
۱۳. همان، ۷۳
۱۴. همان
۱۵. ساختار اقتصادی وقف در کشورهای هلال حاصل‌خیز (عراق، سوریه، فلسطین، اردن)، از مجموعه مقالات ساختار وقف در جهان اسلام، ص ۴۹۷
۱۶. وقف و فلسفه تشریح آن در اسلام، از مجموعه مقالات ساختار وقف در جهان اسلام، ص ۷۲
۱۷. ساختار تاریخی نقش وقف در جامعه اسلامی کشورهای عرب، صص ۱۱۷-۱۱۹
۱۸. سوره نساء، آیه ۹۵
۱۹. سوره حجر، آیه ۹۹
۲۰. سوره بقره، آیه ۲۶۲
۲۱. سوره بقره، آیه ۲۷۲
۲۲. سوره آل‌عمران، آیه ۹۲
۲۳. التبیان الجامع لعلوم القرآن، ج ۱، ص ۵۳۰
۲۴. سوره توبه، آیه ۱۰۳
۲۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷۷
۲۶. مجله مشکوة، شماره ۶۲-۶۵، ص ۲۶۴
۲۷. اقتصاد ما، ص ۳۱۹
۲۸. مرآة العقول، ص ۸۶
۲۹. همان، ص ۱۰۲
۳۰. مجله مشکوة، شماره ۶۲-۶۵، ص ۲۷۰
۳۱. جایگاه وقف در توسعه اقتصادی، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۲۶۳
۳۲. رشد نوین اقتصادی، ص ۱۷
۳۳. جایگاه وقف در توسعه اقتصادی، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی

- وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، صص ۲۶۵-۲۶۶
۳۴. شیوه‌های جدید بهره‌وری و سرمایه‌گذاری اموال وقف، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۱۷
۳۵. بانک وقف پول فرصت‌ها و چالش‌ها، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۱۴۰
۳۶. التبیان الجامع لعلوم القرآن، ج ۱، ص ۲۸۸
۳۷. تذکره الفقها، ج ۱، ص ۲۶۹
۳۸. مانند آیت‌الله العظمی خویی
۳۹. مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ص ۳۲۱
۴۰. مثل آیه ۹۲ سوره آل عمران یا آیه ۲۰ سوره مزمل
۴۱. در همین ارتباط امام خمینی علیه السلام چنین بیان نموده‌اند: مراجعه به عرف برای تشخیص موضوعات و عنوان‌های احکام امری است که گریزی از آن نیست. البته جایی که موضوع در دلیل لفظی لحاظ شده باشد (کتاب البیع، ج ۳، ص ۵۵۹).
۴۲. فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۵۱، ص ۲۴
۴۳. امکان‌سنجی وقف اوراق سهام و نقش آن در بازار سرمایه، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۸۳
۴۴. جامع المسائل: استفتائات، ج ۲، ص ۳۳۵
۴۵. امکان‌سنجی وقف اوراق سهام و نقش آن در بازار سرمایه، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۸۵
۴۶. شیوه‌های جدید بهره‌وری و سرمایه‌گذاری اموال وقف، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۲۵
۴۷. آینده وقف در جهان عرب و اسلام، از مجموعه مقالات ساختار وقف در جهان اسلام، ص ۹۶۰

## منابع:

۱. مقاله «ساختار تاریخی نقش وقف در جامعه اسلامی کشورهای عرب»، نویسنده: ابراهیم بیومی غانم، از مجموعه مقالات ساختار وقف در جهان اسلام، ترجمه صادق عبادی، قم، نشر اسوه، ۱۳۸۶، صص ۹۵۱-۹۸۰.
۲. مقاله «امکان سنجی وقف اوراق سهام و نقش آن در بازار سرمایه»، نویسنده: جواد سعادت‌فر، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه و نشر اسوه، ۱۳۸۶، صص ۶۹-۹۴.
۳. مقاله «جایگاه وقف در توسعه اقتصادی»، نویسنده: ناصر جهانیان، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه و نشر اسوه، ۱۳۸۷، صص ۲۵۷-۲۹۰.
۴. مقاله «تأثیر وقف بر اقتصاد اسلامی»، نویسنده: محمد حسن حائری، مجله مشکوة، شماره ۶۲-۶۵، ۱۳۷۸، صص ۲۵۵-۲۷۹.
۵. تذکرة الفقها، ج ۱، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (علامه حلّی)، بی تا، چاپ سنگی.
۶. کتاب البیع، ج ۳، تهران، روح‌الله خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۱ق.
۷. مقاله «آینده وقف در جهان عرب و اسلام»، نویسنده: عبدالعزیز دوری، از مجموعه مقالات ساختار وقف در جهان اسلام، ترجمه صادق عبادی، قم، نشر اسوه، ۱۳۸۶، صص ۹۵۱-۹۸۰.
۸. مقاله «امکان سنجی وقف اوراق سهام و نقش آن در بازار سرمایه»، نویسنده: جواد سعادت‌فر، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه و نشر اسوه، ۱۳۸۶، صص ۶۹-۹۴.
۹. مقاله «وقف و فلسفه تشریح آن در اسلام»، نویسنده: رضوان سید، از مجموعه مقالات ساختار وقف در جهان اسلام، ترجمه صادق عبادی، قم، نشر اسوه، ۱۳۸۶، صص ۵۱-۷۷.
۱۰. مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، زین‌الدین بن علی بن علی بن احمد عاملی (شهید ثانی)، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۱۱. اقتصاد ما، سید محمد باقر صدر، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷.
۱۲. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ج ۱، چاپ سوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۱ق.
۱۳. التبیان الجامع لعلوم القرآن، ابو جعفر محمد حسن بن علی طوسی، جلد اول، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۶۴ق.
۱۴. المبسوط فی فقه الامامیه، محمد بن



- حسن طوسی، بی‌تا، تهران، المکتبه المرتضویه.
۱۵. مقاله «شیوه‌های جدید بهره‌وری و سرمایه‌گذاری اموال وقف»، نویسنده: صادق عبادی، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه و نشر اسوه، ۱۳۸۷، صص ۳-۳۲.
۱۶. جامع المسائل: استفتائات، ج ۲، محمد فاضل موحدی لنکرانی، قم، نشر امیر، ۱۳۸۳.
۱۷. مقاله «ساختار اقتصادی وقف در کشورهای هلال حاصل‌خیز (عراق، سوریه، فلسطین، اردن)»، نویسنده: منذر قحف، از مجموعه مقالات ساختار وقف در جهان اسلام، ترجمه صادق عبادی، قم، نشر اسوه، ۱۳۸۶، صص ۴۹۵-۵۳۲.
۱۸. مقاله «وقف پول»، نویسنده: سید علی کسایی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۱۳، ۱۳۸۴، ش ۵۱، صص ۱۷-۳۰.
۱۹. رشد نوین اقتصادی، سیمون کوزنتس، ترجمه مرتضی قره‌باغیان، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.
۲۰. مرآة العقول، تهران، محمدباقر مجلسی، درالکیت الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۲۱. مقاله «بانک وقف پول فرصت‌ها و چالش‌ها»، نویسندگان: مهدی ناصحی،
- و محبوبه شادپی، از مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه و نشر اسوه، ۱۳۸۷، صص ۱۳۷-۱۶۰.
۲۲. مقاله «مروری اجمالی بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی وقف: نقش وقف در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها»، نویسنده: علی اصغر هدایتی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۶۷، ۱۳۸۸، صص ۷۶-۸۱.